ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

در برلین دموکراتیک

بمناسبت صد و پنجاهمین زاد روز مارکس

از روز ۵ شنبه دوم تا روز شنبه چهارم مامه ۱۹۶۸ در تالار زیبا و پر شکوه کنگره ها در برلین دمو - کراتیک اجلاسیه علمی بین- المللی بمنظور برگزاری صدو پنجاهمین زادروز کارل مارکس پیشوای دانی رنجبران جهان دائر بود. در این جلسه نمایندگان بیش از پنجاه کشور جهان از احزاب کمونیستی و دمو کراتیک و از آنجمله هیئت نمایندگی حزب ما (رفقا ایرج اسکندری عضو بوروی کمیته مرکزی و احسان طبری) شرکت داشتند. رفیق والتر اولبریشت دبیر اول حزب متحدهٔ سوسیالیست آلمان تحت عنوان «اهمیت و نیروی جبانی آموزش مارکس برای زمان ما» گزارش عمیق و مضمونی ایراد کرد. وی درضمن سخنان خود گفت که یکی از مهمترین اقدامات تاریخی مارکس آنست که سوسیالیسم علمی را با جنبش کارگری پیوند داد و نشان داده است که طبقه کارگر، آن طبقه مترقی است که میتواند به آرمانهای سوسیالیسم علمی جامهٔ عمل بپوشاند. وی گفت، «مارکس از آنجهت که نه تنها عالم بلکه انقلابی بزرگ

دنباله درصفحه ۵

یادی از یك شهادت

خسرو روزبه قهرمان ملی ایران

اینك ده سال از شهادت خسرو روزبه که در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ بدست دژخیمان شاه تیرباران شد میگذرد و این ده سال لهای رشد پرتوان معنوی او در افکار عمومی مردم ایران و جهان بود. طی این دهسال روزبه از مبارزی که تنها در مجافل محدودی شناخته شده بود به قهرمانی که دیگر با شخصیتش سرا پای جامعه ما و ملل مختلف جهان آشناشده مبدل گردید. این زندگی جاندار و پر خون پس از مرگ فقط برای کسانی مبهم است که در راه حق و با دفاع شایسته و دلاورانه از حق به پذیرهٔ مرگ میشتابند.

زندگی و مرگ روزبه سراپا دارای هماهنگی شگرفی است. از همان آغاز جوانی روزبه برای نبرد بی پروا، بی امان و پیگیر با زشتیها و پلیدیهای اجتماعی ساخته شده بود. وی در این راه نوسان و تزلزل و سستی نداشت. با گامهای استوار یك مجاهد، یك سرباز بسوی هدف خود سیر کرد. همه جا آتش باز بود. دلاوریهای او در دوران حیات کوتاه، قهرمانیش در آستانه مرگ هیچکدام تصادفی نیست. همه آنها از گوهر یك روان سرسخت و مصمم تراویده است. این روان مانند بلوری یکدست، بی کدورت بود که در زیر پرتو آفتاب حقیقت و عدالت توده های زحمتکش با تلالؤ خیره کننده ای درخشید.

روزبه بخاطر فرش فداکاری نمیکرد، برای آن فداکاری میکرد که به صحت راه خویش ایمان داشت. لذا محیط فرومایه، سستی

دنباله در صفحه ۲

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران

نامه زیرین را بوروی کمیته مرکزی برای کلیه شرکت کنندگان کنفرانس حقوق بشر در ایران و سازمانها و مطبوعات دموکراتیك جهان ارسال داشته و در اینت مطبوعات انگلیس بنقله است و از آنجمله روزنامه «لوموند»، در تاریخ ۲ مه ۱۹۶۵ تحت عنوان «تذکر در ایران - ۵۰ حکم اعدام برای محکومیت های سیاسی در فرش چهار سال» مضمون نامه را با اندکی تلخیص چاپ کرده است.

آقای رئیس، آقایان نمایندگان!

ما بعنوان ایرانی از این واقعه خوشوقتیم که کنفرانس بین المللی حقوق بشر در تهران، پایتخت کشوری برگزار میشود که فرهنگ چند هزار ساله آن در تکامل اندیشه و پیشرفت بشر تأثیر بسزائی داشته است.

در عین حال متناقض بنظر میرسد که تصمیم به برگزاری کنفرانس حقوق بشر در کشوری اتخاذ شده است که اکنون در آن ابتدائی ترین حقوق انسان با خشونت نقض گردیده و در آن نه فقط اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر تماما بسخره گرفته شده بلکه حتی آزادیهای اساسی مصرحه در قانون اساسی ایران آشکارا پایمال گردیده است.

گرچه رژیم پلیسی موجود در کشور و بیکردهای آن علیه میهن پرستان ودمو کرات های ایرانی، از هر گرایش نظری، امری است کاملا معلوم، معذلك بنظر ما مقدماست نظر شما را بیرخی تجاوزات علنی به اصول اعلامیه جهانی که ظاهرا کنفرانس دفاع از آنها و تحقق آنها را هدف خود قرار داده است، جلب نمائیم.

مواد هجدهم و نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل اساسی آزادی عقیده وحق هر فرد انسانی را باستقامه بدون تبعیض از آن اعلام داشته است.

ولی این حق نه فقط بهانه قانون مورخ ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) دایر به منع عضویت، تشکیل یا رهبری جمعی یا مرام و رویه اشتراکی (کمونیستی) ازاعضاء حزب ماسلب گردیده بلکه از هر فردی که با سیاست دولت چه در زمینهٔ مسائل خارجی و چه داخلی بنحوی مخالف باشد، سلب شده است.

سازمانی بنام امنیت دولتی (ساواك) و

دنباله در صفحه ۳

اعلامیه جلسه کمیسیون مأمور تدارك کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری

از ۲۴ تا ۲۸ آوریل سال جاری کمیسیون مأمور تدارك کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری نخستین اجلاس خود را در بودایست با شرکت ۵۴ حزب زیر برگزار کرد:

حزب کمونیست امریکا، حزب کمو نیست آرژانتین، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست بلژیك، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست برزیل، حزب کمونیست شیلی، حزب مترقی تودهٔ کارگران قبرس، حزب توده پیشاهنگ کوستاریکا، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمو نیست دانمارك، حزب کمونیست افریقای جنوبی، حزب کمونیست فنلاند، حزب کمو نیست فرانسه، حزب کمونیست یونان، حزب کار گواتمالا، حزب کمونیست هندوراس،

دنباله در صفحه ۵

سازمان دانشجویان چگونه سازمانی است؟

ماهیت سازمان دانشجویان

دانشجو ازنظر طبقاتی یك قشر اجتماعی را تشکیل میدهد، چون از طبقات گوناگونی برمیخیزد و بنا بر این نمیتواند طبقهٔ واحد و معینی باشد. دانشجو بلحاظ منشاء ای که دارد صنف معینی ازاصناف گوناگون جامعه است.

بدینسان سازمان دانشجویان، یعنی سازمانی که در برگیرنده دانشجویان - صرف نظر از وابستگی طبقاتی و عقاید سیاسی آنهاست - ماهیتا نه یك سازمان طبقاتی است و نه یك سازمان سیاسی. سازمان دانشجویان از نظر ماهیت یك سازمان صنفی است. این پدیده بدان معنی نیست که سازمان دانشجویان نباید مبارزه سیاسی بکند و فقط باید بمبارزه صنفی اکتفا نماید، بلکه بدانمعنی است که سازمان دانشجویان متعلق به صنف دانشجو است و باید قبل از هر چیز مدافع حقوق و منافع صنفی و سیاسی معین این صنف باشد. در همانحال اگر سازمان دانشجویان میتواند مدافع تمام حقوق و منافع صنفی دانشجویان باشد نمیتواند همه خواست های سیاسی دانشجویان را بر آورده سازد. درست بهمین دلیل است که دانشجویان علاوه بر عضویت در سازمان صنفی خود به عضویت سازمانها و احزاب سیاسی نیز درمیآیند.

دنباله در صفحه ۲

در کنگره هفتم فدراسیون اتحادیه های آزاد آلمان

کنگره هفتم کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد آلمان از ششم تا دهم ماه مه در برلین برگزار شد. در این کنگره قریب به دو هزار تن نماینده منتخب ۶٫۸ میلیون نفر زحمتکشان جمهوری دموکراتیك آلمان ۵۴۵ تن بعنوان مهمان، هیئتهای نمایندگی چهار سازمان سندیکائی بین المللی و نمایندگان سازمانهای سندیکائی ۵۳ کشور از آنجمله ایران شرکت داشتند.

گزارش مشروح رفیق وارنکه صدر کنفدراسیون، بیانات اعضای کنگره وهمچنین ترکیب کنگره که نزدیك به نیم اعضای آنرا زنان تشکیل میدادند نشان میداد که زحمتکشان جمهوری دموکراتیك آلمان از تمام حقوق سندیکائی مندرجه در قانون اساسی جدید برخوردارند و با شور و شوق وظائفی را که بعهدهٔ اتحادیه هاست آگاهانه انجام میدهند.

کنگره در شرایطی برگزار شد که مردم جمهوری دموکراتیك آلمان در همهٔ زمینه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

دنباله در صفحه ۵

شعری از زندان جنوب

بدرود در زندان

فرزندان "پیروزان" از راست بچپ : رفقا یعقوالدین مدنی ، صفر قهرمانی ، حمید قلم نوبران ، محمود علی پیدا ، پرویز سکمت ، جواد زیبا ، یوسفی .

خانواده های زندانیان جنوب ، پس از طی مقرری مرور و فراز از تهران تا راهنمائی "پیروزان" ، بامر عیانی و نقاط دیگر ، و توقفی کوتاه در شهر کرمانشاه و دیداری در تب و تاب با مزورات زندانی خویش به دیدگاه انتظار باز میگردند . آنها بناچار خویشتن دلبند خود را در عزلت زندان جنوب رها میکنند و خود به تهران مراجعت میکنند . در شعر زیرین که یک زندانی بنام (م . س .) سکنانده همین حادثه غم انگیز توصیف شده است .

در آن آغاز شب
چون خواهران و همسران و آشنایان
جاده را آشفته و تب دار پیمودند .
هنوز از رنج راه خود نیاسودند
پس از دیدار کوتاه عزیزان
باز میگشتند .
تمام همسران و خواهران گریان
سراسر درد کن پراشك
گره بر ابروان و پیشتان خم از غم ومأتم
ولیکن دل بدون لرزش و محکم
و جانهاشان شکیب آموز

آنگاه

بهنگامیکه شد گاه عزیمت ، ساعت بدرود میان بهت و حیرت
دختری شیرین و خوش گفتار ،
بسی زیبا تر از کلبرگ لاله
بسی با کیزه تر از آب ناب چشمهٔ رخشان
بمادر رو نمود و گفت :
«مادر جان ! چرا دائی نمی آید
چرا آخر نمیآید ؟»
صدای کودکی دیگر طنین افکند :
«مادر جان !
زمین را زیر پا کوبید
وفریادش درون گریه اش مرگفت :
«بابا جان ! چرا آخر نمیآیی ؟»

دنباله از صفحه ۱

یادی از یك شهادت

و گزیبائی یاران و همرزمان ، فشار خشن دشمن ... هیچکدام او را دلسرد نکرد . او هرگز نگفت : «برای که فداکاری کنم؟» ، «دیگران که چنان بودند پس من چرا چنین باشم؟» . روزبه با احساس رسالت و وظیفه‌ای عمیق در ژرفای روان خود ، براه ایثار رفت. او میدانست که در این بازی دشوار جان خود را خواهد باخت ولی او میدانست که این باخت در حکم برد بزرگی برای حزب او ، یاران او و شخصیت انقلابی اوست .

روزبه ادامه دهنده راه خونین ومقدسی است که در سراسر تاریخ دیرینه کشورما کشیده شده است . او فرزند خلف خاندان جلیلی است که از مزدک گها و بابکها آغاز و به صور اسرافیل ها ، ملك المتکلمین ها ، جعفر خو انی ها و ارانی ها میرسد . فلسفهٔ این افراد در زندگی چنین است « بالا ترین حد انسانیت آنست مجسمه برای انسانی شدن جامعه ! اگر لازم شد وجود انسانی خود را فدا کنیم . ولی ارانی ها و روزبه ها که قهرمانان دوران ما هستند میدانستند که ایثار انقلابی با ماجراجوئی و با کمروی تفاوت عمیق دارد . ایثار انقلابی در عصر ما با آرمان ، با حزب طبقه کارگر ، با چنبش دموکراتیك و ملی ، با مردم پیوند دارد . ایثار انقلابی در عصر ما تابع ضرورتهای مشخص تکامل نهضت انقلابی است . آنها براه یك چنین ایثاری رفتند لذا عمل آنها در نفی وجود خود بخاطر اثبات و تثبیت یك نهضت مترقی بود . از شهادت ارانی نهضت توده ای زائیده شد و از شهادت خسرو ، بالا رفتن تدریجی حد مقاومت پس از یك سقوط سنگین .

زندگی روزبه که حزب مایحق وی را قهرمان ملی ایران نامیده است میتواند برای نسل بالنده ، برای همهٔ جوانان ، برای همهٔ مجاهدان سرمشق باشد. عشق به مردم، احترام به علم ، تلاش شبان و روزان برای خدمت به جامعه ، اراده بی تزلزل در پیکار ، ایمان بولادین به آرمان ، شفقت و محبت به یاران و مبارزان ، عاطفه و وفاداری تا آخر بهمه کسانی که در خورد آنند — چنین است شه‌ای از صفات روزبه ، انصاف بهر یك از این خصلت ها در عمل بسیار دشوار است و کسانی که مجموعه ای از این صفات را با خود دارند ، افرادی سخت نادر و سزاوار احترام و تجلیل اند .

دشمن طبقاتی ، رژیم شاه بسیارمیکوشد از عظمت شخصیت روزبه بکاهد و او را با چهره ای که بوی همانند نیست ترسیم کند. ولی تلاش عبثی است . روزبه هم اکنون در دلهای مردم ایران و جهان خانه کرده و این جان پناهی است تصرف ناپذیر . حزب ما به داشتن چنین کسی در صفوف خود مبالد و این شعر یکی از دوستان او در حقش کاملا صادق است :

زندگی ، تو بحزب افتخار میکردی
کنون بنام تو حزب تو افتخار کند

ا . سپهر

دنباله از صفحه ۱

سازمان دانشجویان ...

خصلت سازمان دانشجویان

سازمان دانشجویان از نظر خصلت یك سازمان توده ای است . خصلت توده ای سازمان دانشجویان مؤید این نکته است که در تئوری هر دانشجوئی حق و امکان آنرا دارد که بعضویت سازمان دانشجویان درآید و در عمل سازمان دانشجویان باید چنان سیاست و روشی را در پیش گیرد و چنان فعالیتی دست بزند که آنرا قادر به تشکل و جلب اکثریت هرچه وسیعتری از دانشجویان بنماید ، و از آنجا که دانشجویان دارای وابستگی های طبقاتی گوناگون و عقاید سیاسی مختلف و گاه متضاد هستند ، چنین سیاست و روشی میتواند فقط حد مشترك خواست اکثریت مطلق دانشجویان باشد . خصلت ملی(ضدامپریالیستی)ودمکراتیك ذاتی هرسازمان دانشجوئی نیست ، یعنی هرسازمان دانشجوئی بصرف اینکه سازمان دانشجوئی است ملی و دمکراتیك محسوب نمیشود . تجربه نشان داده است که بطل گوناگون ممکن است سیاست و روش ارتجاعی در سازمان دانشجویان غلبه کند . بنا بر این برای ایجاد یك سازمان دانشجوئی با خصلت ملی و دمکراتیك و همچنین حفظ و بسط و تعمیق این خصلت باید بطور مداوم و پیگیر مبارزه کرد .

ملاك ملی و دمکراتیك بودن سازمان دانشجویان همین است که سازمان نه فقط درحرف بلکه بویژه در عمل و برطبق شرایط مشخص مبارزه اولا در راه خواستهای صنفی و سیاسی مشترك بین اکثریت مطلق دانشجویان وثانیا در راه هدفهای عمومی ملی و دمو کراتیك مردم پیکار کند . فقط در اینصورت است که نهضت دانشجوئی و سازمان دانشجویان میتواند جزئی از نهضت عمومی ملی و دمو- کراتیك جامعه مفروض باشد .

مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی

دانشجو دارای خصلت دوگانه است ، یعنی هم دانشجو است و هم عضوی از جامعه. از این خصلت دو گانه در نوع حق هم برای دانشجو و هم برای سازمان دانشجویان حاصل میشود ، بدینمعنی که دانشجو هم حق دارد بفعالیت صنفی و دانشجوئی بپردازد و هم به فعالیت سیاسی و حزبی . سازمان دانشجویان نیز حق دارد بفعالیت صنفی و سیاسی بپردازد . تلفیق این دو مبارزه وظیفه اصلی سازمان دانشجویان است . ولی همانطور که محدود کردن سازمان بمبارزه صنفی نادرست و ارتجاعی است ، تبدیل سازمان دانشجویان به یك سازمان سیاسی و حزبی نیز نادرست و زیان بخش است و با ماهیت و خصلت سازمان دانشجوئی مباینت دارد .

تعیین نوع شعار های صنفی و سیاسی مسئله ای ذهنی نیست ، بلکه بتحلیل علمی وضع مشخص جنبش ، سنت و درجه تکامل جنبش ، سطح آگاهی تودهٔ دانشجو و واقع بینانه بودن شعار ها بستگی دارد . گذشته از این در هر لحظه و در هر مرحله ای از مبارزه یك اصل اساسی را همیشه باید در نظر داشت و آن اینکه شعارها و هدفها ـ چه صنفی و چه سیاسی ـ باید به تحرك ، تشکل و جلب هر چه بیشتر توده دانشجو و به تحکیم اتحاد آنها در مبارزه کمك کند ، هر شعار وهدفی که به تحقق این اصل کمك نکند حد اقل نادرست و زیانبخش است و حد اکثر ارتجاعی و خرابکارانه .

شایان ذکر است که بسیاری ازاوقات مبارزه صنفی در تکامل خود بمبارزه سیاسی مبدل میگردد و مبارزه سیاسی بنوبه خود به تحقق خواستهای صنفی کمك میکند .

مبارزه علنی و مخفی

شکل اصلی مبارزه یك سازمان توده‌ای علنی است . دلیل آنهم اینست که یك سازمان توده ای که باید توده های هرچه وسیعتری را دربر گیرد و بنا بر این باید بتواند وسیع ترین تماسها و عمیق ترین پیوند ها را با توده ها بر قرار کند ، نمیتواند در شرایط مخفی به این هدف نائل آید . البته این بدان معنی نیست که مبارزه مخفی باید در هر شرایطی و مطلقا نفی گردد ، چون رژیمهای ارتجاعی از هر فرصتی برای سر کوب سازمان های توده‌ای و محروم کردن آنها از امکانات مبارزه‌علنی استفاده‌میکنند و سازمانهای‌توده‌ای در چنین شرایطی باید بتوانند موجودیت و دوام مبارزه‌را حفظ کنند و مبارزه را بشکل مخفی ادامه دهند . ولی این وضع اجباری است و همیشه از طرف رژیمهای ارتجاعی به سازمانهای توده‌ای دمکراتیك تحمیل میشود. بنابراین‌سازمانهای توده‌ای‌نیز باید ضمن ادامه مبارزه بشکل مخفی یکی از هدفهای اصلی خود را مبارزه برای علنی شدن قرار دهند و رژیمهای ارتجاعی را با مبارزه خود بقبول فعالیت‌علنی‌سازمانهای توده‌ای دمکراتیك‌وادار سازند . بدیهی است که فعالیت علنی بهر قیمت مطرح نیست، یعنی یك سازمان توده‌ای دمکراتیك نباید ماهیت مترقی خود را فدای علنی شدن‌بنماید. در همانحال سازمان توده‌ای

دنباله در صفحه ۵

دنبله از صفحه ۱

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران بکنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران

در افشای ماهیت ضد دموکراتیک رژیم ایران

دادگاههای نظامی دو پایه اساسی دستگاه ترور و تضییق است که توسط آنها رژیم کنونی هر گونه آزادی عقیده و بیان را خفه میکند و بدینسان تمام مطبوعات اپوزیسیون و بویژه مطبوعات سازمان ما خودسرانه ممنوع شده و حتی روزنامه ها و مجلات دارای گرایشهای گوناگون سیاسی که در اروپا و ایالات متحده امریکا چاپ میشوند نمیتوانند بدون خطر توقیف و بیکرد های غیر قانونی ساواک در ایران پخش گردند. حتی افرادی که چنین مطبوعاتی را از راه پست دریافت داشته و یا دارا میباشند، در معرض خطر دستگیری قرار میگیرند و باتهام ساختگی یکسانی تحت عنوان «اقدام علیه سلطنت مشروطه ایران» بدادگاههای نظامی کشانده میشوند.

یك بازرسی سطحی حتی فقط از دادرسی های سیاسی که در سالهای اخیر در این دادگاههای نظامی جریان یافته و نگاهی باحکام صادره توسط این ارگانهای تضییقی چه علیه اعضاء حزب توده ایران و چه علیه افراد دیگری با تمایلات گوناگون ملی، سوسیالیستی، مذهبی و حتی سندیکائی وغیره بنحوی انکار ناپذیر اثبات میکند که موارد جرم و بزهی که بتهمین نسبت داده اند بطور کلی جز عقاید آنها و یا عضویت آنها دریك سازمان سیاسی معین چیز دیگری نبوده است. تنها ظرف چهارسال اخیر دادگاههای نظامی بیش از ۵۰ حکم اعدام علیه متهمین سیاسی صادر کرده اند که احکام چهل گانه ای از آنها بموقع اجرا گذارده شده است.

قریب ۵۰۰ نفر زندانی سیاسی که به زندان اید و یا مجازاتهای بسیار سنگین محکوم گردیده اند امروز هنوز در زندانهای مختلف ایران بسر میبرند. علاوه بر این افراد بسیاری که در بین آنها شخصیتهای مذهبی زیادی یافت میشوند بدون هیچ حکم قضائی دستگیر و بزندان افکنده شده اند.

زندانیان سیاسی حتی پس از محکومیت نه فقط مجازاتی مورد انواع اهانت ها و خشونتهای پلیس قرار گیرند، بلکه هر گونه حق اعتراض و شکایتی از آنها سلب گردیده و الا آنها را بنواحی بد آب و هوا تبعید میکنند و در آنجا در زندانهای مجازا و جدا از همه جا، در معرض شقاوت آمیز ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار میدهند.

بدینسان است که ظرف دو سال اخیر زندانیان سیاسی بسیاری، منسوب به گرایش های مختلف، از زندان مرکزی تهران به دور افتاده ترین مناطق که از لحاظ بدی آب و هوا بویژه مشهورند، نظیر منطقهٔ خلیج فارس و یا منطقهٔ جنوب خاوری ایران تبعید گردیده اند.

نام برخی از آنان را باز گو میکنیم: پرویز حکمت جو، تبعید به براز جان. علی خاوری تبعید بزاهدان، پیروزی تبعید به خرم آباد، کاکیك اوانسیان تبعید به کرمان، معتمدی تبعید به بندرعباس (که بجرم عضویت درحزب توده ایران محکوم گردیده اند) پرویز نیکخواه و منصوری که به ترتیب به بروجرد و سمنان تبعید شده اند (دارای گرایش کمونیستی هوا دار چین) شیخ حسین علی منتظری روحانی مسلمان تبعید به مسجدسلیمان، میرزا علی مشکین روحانی مسلمان تبعید به منطقه نامعلومی بدون هیچ حکمی، هشت نفر دیگر که شش نفر آنها شخصیتهای مذهبی هوادار آیت الله خمینی هستند نیز به نقاط مختلف تبعید شده اند و الا آخر.

بهمین است در یکچنین شرایطی سخنی هم از آزادی تشکیل مجمع و جمعیتی که حق آن، هم در مواد ۱۸ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم در مواد ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی ایران مؤکداً تصریح گردیده است، نمیتواند در میان باشد.

حکومت دیکتاتوری ایران بوسیلهٔ اتخاذ تدابیر پلیسی، با ممنوع ساختن حزب توده ایران و با ممانعت از فعالیت علنی هرسازمان سیاسی (بجز آن سازمانهائی که خود ساخته است) عملا تحقق این آزادیها را در کشور موقوف کرده است. حکومت ایران باین اکتفا نکرده است که خود سراته بر خلاف قانون و بدون هیچ حکم دادگاهی فرمان انحلال حزب توده ایران را صادر کند بلکه همچنین تمام سازمانهای دموکراتیك توده ای را، نظیر شورای مرکزی کارگران ایران، سازمان دموکراتیك زنان، سازمان دموکراتیك جوانان، اتحادیه دانشجویان و غیره را متوقف ساخته است.

حکومت برای آرایش خود بظاهری دموکراتیك، سازمانهای چندی را که رهبری آنان مطلقاً تحت نظارت ساواك قرار دارد بعنوان سندیکاهای کارگری مجاز شمرده است. ولی حتی چنین سندیکاها اجازه ندارند از حدود کارگاهی که برایشان تعیین شده پا را برون گذارند و بعقباب مؤسسه متحد گردند، با کارگران همان رشته صنعتی فدراسیون ایجاد کنند و بعقباب ملی کنفدراسیون تشکیل دهند. بهترین نمونه این پراکندگی نیرو های کارگری را صنایع بزرگ نفتی ارائه میدهد که در آن کارگران شاغل در یك واحد تولیدی نمیتوانند در سندیکا مجتمع گردند. مگر جداگانه درون هرکارگاه و نه بعقباب واحد تولیدی مورد بحث، از این جهت است که اکنون در ایران نه بعقباب منطقه ای و نه بعقباب ملی مراکز سندیکائی برای هیچ شاخه صنعتی وجود ندارد. این نقش علنی مقاد مصرحه در ماده ۲۳ (بند ٤) اعلامیه جهانی حقوق بشر مربوط بحق مسلم هر فرد به تشکیل سندیکاها و شرکت در سازمانی است که میتواند بمیل خود بر گزیند.

واضح است که در چنین شرایطی ویا اعمال یك چنین سیاست تضییقی، حکومت ایران نمیتواند، ظبرغم دعاویش، به قانونیت تکیه کند و نمیتواند بخود اجازه دهد دادرسی های سیاسی در چارچوب قوانین و موازین قضائی در دادگاههای «مستقل، بطرف، منصف وعلنی» جریان یابد چنانکه درماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مشخص و متصف شده اند.

از اینجاست که حکومت لازم دارد تمام دادرسیهای سیاسی در دادگاههای نظامی اختصاصی انجام گیرد که از دادگاه جزائی ندارند و اعضاء آنها که از بین افسران گوش بفرمان و مطیع انتخاب گردیده اند در واقع مجریان اوامر مافوق خویشند نه دادرس.

در حالیکه طبق مواد ۷۳ و ۷۹ قانون اساسی کشور محاکم عدلیه هستند که منحصراً صلاحیت رسیدگی به منازعات سیاسی و امور مربوط به نقض قانون مطبوعاتی را دارامیباشند طبق مفاد مصرح در قانون اساسی و قانون کیفر ایران دیوان جنائی یگانه مرجع قضائی صلاحیتداری است که باید ضرورتاً با حضور هیئت منصفه بجرائم سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی نماید.

جالب توجه است که در قوانین ایران تأسیس هیئت منصفه تنها برای موارد دادرسی های سیاسی و جرائم مطبوعاتی در نظر گرفته شده است.

ولی خصوصیات دادگاههای نظامی اختصاصی منحصر به عدم صلاحیت و ضد قانونی بودن آنها نیست. مقررات خاصی که طبق قانون کیفر ارتش در تشکیل دادگاه، بازجوئی و بازپرسی و جریان دادرسی اعمال میگردد حقوق متهمین و دفاع را فوق العاده محدود مینماید.

برخی فاکتهای عمدهٔ مربوط به این موضوع را برشمریم:

۱) احاله بازپرسی و تشکیل پرونده‌های سیاسی بارگانهای پلیس خفیه (ساواك)، متهمین را نه فقط از ورود شدن با یك بازپرس دادگستری محروم مینماید بلکه هر گونه تضمین قانونی امنیت شخصی و دفاع، جلو گیری از اعمال نفوذ خودسرانه، غرض و خشونت را نیز از آنها سلب میکند.

در تأیید این واقعیت ما بنقل قطعات چندی از نامه یك جوان مهندس بنام حسن عبودیت اکتفا میکنیم. وی در ژانویه ۱۹٦٤ هنگام محاکمه رهبران «نهضت آزادی ایران» دستگیر شد بگناه اینکه نسخ چندی از گزارشهای تکثیر یافته پرونده دادرسی را با خود داشت. او در نامه ای خطاب به دادرسان در باره بازپرسی ٤۸ ساعت اینکه توسط دستگاه ساواك از وی بعمل آمده چنین مینویسد.

«من اعضاء کنندهٔ زیر، حسن عبودیت، وقایع زیرین را باطلاع شما میرسانم. درتبه شب ۱۹ ژانویه ۱۹٦٤ (۱۳٤۳) بازجوئی آغاز شد... من عدم اطلاع خود را درباره برخی پرسشهائی که از من شد بیان داشتم. مرا سیلی زدند و با باتون بر روی دستهایم کوبیدند. این عمل هر بار که سئوالی بی جواب میماند تکرار میشد. سرانجام مرا مجبور کردند که برخیزم و لخت شوم و روی یك اجاق برقی بنشینم. بازپرس اجاق برقی را طوری قرار داد که با آلات تناسلی من تماس گیرد. من بیهوش شدم... بازجوئی ادامه یافت. بازپرس رفت و با یك بطری آب باز گشت، محتوی آنرا در یك شیشه مدرج ریخت و باتون خود را در شیشه فرو برد، او دستهای مرا به پشتم پیچاند و سپس بطرف بالا کشید. او میخواست بدینترتیب مرامجبور کند که روی تختخواب دراز بکشم تا بتواند بکمك همکارانش باتون آغشته به آسید را به من فرو کند. با تمام قوای خود تلاش میکردم. سرانجام لابد خسته شد و از انجام عمل صرف نظر کرد.

من دیگر نمیدانستم چه میگویم و چه مینویسم. سرانجام بازپرس سئوال و جوابهائی را به شخص ثالثی دیگه کرد و مرا بزور مجبور بامضاء آن نمودند...»

۲) دادرسان نظامی بنا بمیل فرماندهی ارتش تعیین و تعویض میگردند و در برابر او مسئول اعمال قضائی خویشند تا جائیکه مکرر شده است برخی اعضاء دادگاه نظامی خود باتهام دادن نظر های مساعد نسبت به متهمین به محکمه کشیده شده اند.

۳) متهمین در دادگاه نظامی فقط میتوانند دفاع خود را بر کلای مدافع نظامی واگذار کنند که تمام آنها در فهرستی آمده و یا از بین افسران بازنشسته انتخاب میشوند. این وکلای مدافع نظامی، مانند خود دادرسان نظامی، اکثراً نسبت به مسائل قضائی ناآگاه اند و نیز بمثابه نظامی در اجرای حرفه وکالت دچار محدودیت اند.

بکرات ظرف سالهای اخیر این واقعه رسوا و خشم انگیز دیده شده است که وکلای نظامی مدافع متهمین سیاسی خود مورد بیکرد و مجازات قرار گرفته اند به گناه اینکه از موکلین خود خوب دفاع کرده‌اند.

بدینسان است که در سال ۱۹۵۸ سرتیپ بازنشسته علی اصغر مسعود انصاری، سرهنگ بازنشسته عزیزالله امیر رحیمی، سرهنگ بازنشسته علی اکبر غفاری، سرهنگ بازنشسته دکتر اسمعیل علیه مورد بیکرد ساواك قرار گرفتند، توقیف شدند و توسط یك دادگاه نظامی در تهران محکوم گردیدند بخاطر اظهاراتیکه حین دفاع از موکلین خود (اعضاء گروه ناسیونالیستی نهضت آزادی ایران دارای گرایش مصدقی) در دادگاه نظامی بیان داشته بودند. دادستان نظامی در کیفر خواست خود بویژه ازسرتیپ مسعود انصاری بازخواست میکند که چرا بهنگام دفاع از موکلین خود چنین گفته است،

«در دموکراسی گاهی اتفاق میافتد که حکومت بعلل مختلف اعتماد اکثریت مردم را در کشور از دست میدهد و بنحو خاصی حکومت میکند... در سال ۱۷۹۳ انقلاب کبیر فرانسه حق قانونی مردم و اکثریت را به انقلاب علیه چنین اقلیتی شناخت...»

این حق همچنین در اعلامیه جهانی حقوق‌بشر که مورد تصویب اکثریت بزرگ کشورهای

دنباله در صفحه ٤

دنباله از صفحه ۳

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران

در افشای ماهیت ضدموکراتیک رژیم ایران

جهان و از جمله ایران قرار گرفته شناخته شده است . . .»

وسرهنگ امیر رحیمی در کیفرخواست متهم گردیده که در پایان دفاعیات خودچنین گفته است :

«بلی این یك افتخاری است برای ما که باین افراد دموکرات (موکلین خود) گفته ایم : از شما دفاع خواهیم کرد و شما تنها نیستید . خدا نگاهدار شما باشد .»

و اما سرهنگ انصاری متهم گردید که در جریان دفاع این کلمات را بر زبان جاری ساخته بود :

«من با کمال قدرت آنچه که لازم باشد در دفاع از این آقایان خواهم گفت . من شصت سال از عمرم میگذرد و دیگر در سنین جاه طلبی نیستم . آنچه وظیفهٔ وجدانی من حکم میکند خواهم گفت بدون اینکه واهمه ای داشته باشم . من کاری نمیکنم جز دفاع از هموطنان دموکرات خود که با آنها نزدیکی های فکری نیز دارم . این یکی از افتخارات زندگی من است که از آنها دفاع کنم .»

و سرانجام سرهنگ علیه در کیفر خواست مورد بازخواست قرار گرفت برای اینکه گفته بود :

«طبیعی است که دولت جناب آقای علم انتظار یکی از نطق های امام حسین راحله بخود بدهد و با سوء ظن تمام اشخاصی را که کوچکترین مداخله ای در این کار نداشته اند بانهام اقدام علیه مشروطیت توقیف و زندانی نماید . خدا تمام مسببین گذشته را بیامرزد زیرا تا آنجا که من میدانم هیچیك از آنها کتاب کبله و دمه را که در قالب اشعار از زبان جانوران شاهان را مورد انتقاد قرار داده توقیف نکرده اند .»

این فاکتها ما را از هر گونه تفسیری بی نیاز میسازند زیرا خود بقدر کافی برای نشان دادن اینکه با چه شدتی بحق دفاع در دادگاههای اختصاصی دستبرد زده میشود گویاهستند ونیز برای اثبات اینکه این دادگاه ها واقعاً دستگاههای خودکار صدور احکام محکومیت و آلت بی جان و کوری دردست یك رژیم ضد دموکراتیك و غیر انسانی میباشند .

٤) دادگاههای نظامی بطور کلی دربسته و جریان آنها پنهان از مردم ، کاملا سری و بدون حضور نمایندگان مطبوعات انجام میگیرد .

٥) متهمین سیاسی در دادگاههای نظامی از حضور هیئت منصفه محرومند در حالیکه این حق بویژه در ماده ۷۹ متمم قانون اساسی ایران تصریح شده است .

٦) حق درخواست فرجام علیه احکام دادگاههای نظامی طبق قانون کیفر ارتش از متهمین سلب شده است مگر با اجازه شخص شاه ، و این اجازه هیچگاه داده نشده است ، زیرا میتواند تمام این سیستم غیرقانونی را که بر پایه ساواك و دادگاههای نظامی ساخته شده فروریزد .

علاوه بر این دستبرد های علنی باصول مصرحه در ماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر ، دستبردهای دیگری نیز درجریان هر دادرسی جداگانه ای واقع میشود که بیش از پیش خصلت کاملا خودسرانه این خیمه شب بازی قضائی را برملا میسازد .

حقوقدانان خارجی نادریکه در چندسال اخیر توانسته اند اجازه حضور در این دادگاهها تحصیل کنند متفق القولند که جریان دادرسی در این دادگاهها کاملا صوری بوده در احکام صادره نسبت بمسائل و منطق حقوقی و قضائی بی اعتنائی شده است .

در اینجا با اجازه داده شود که در تأیید صحت این دعاوی برخی نتیجه گیریهای آقای «ژول شومه» رئیس شعبه بازپرسی انجمن جهانی حقوقدانان دموکرات و وکیل داد گستری پروکسل را که در ژوئن ۱۹٦٦ با کسب اجازه ویژه بعنوان ناظر ازجانب انجمن حقوقدانان دموکرات و جمعیت بازپرسی دفاع از حقوق بشر در محاکمه حکمت جو وخاوری و شش عضو دیگر حزب توده در دادگاه تجدید نظر نظامی تهران حضور یافته بازگو کنیم . آقای «ژول شومه» در گزارش خود مینویسد : «متهمین و وکلای مدافع آنها باستناد ماده ۷۹ قانون اساسی ایران بر آن بودند که دادگاه نظامی ذیصلاحیت نیست زیرا رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید با حضور و زیر نظر هیئت منصفه انجام گیرد .

دادستانی عقیده داشت که قانون ۱۹۵۷ در بارهٔ سازمان امنیت ، رسیدگی بتمام جرائم علیه امنیت دولت را بدادگاههای دائمی نظامی واگذار کرده و از آنزمان این دادگاهها که دارای قوانین ویژه خود هستند میتوانند بدون حضور و نظارت هیئت منصفه عمل کنند . دادگاه قرار صادر کرد و خود را دارای صلاحیت دانست . بادآور شویم که قضاوت فرجام علیه این قرار که یك مسئلهٔ حاد حقوقی و قضائی مربوط است ممکن نیست مگر با اجازه شخص شاه .

جریان ظاهراً عادی محکمه بنوشته آقای «شومه» تعجب را نسبت به رای نهائی دادگاه بیشتر بر می انگیزد . دشوار است که انسان در پایان آن حق را بجانب کسانی ندهد که بمن گفتند این فقط یك دادرسی است و تصمیات در خارج از صحنهٔ دادگاه و مدتها قبل از آغاز رسیدگی دعوی در محکمه اتخاذ گردیده است .

در واقع نیز هیئت دادرسان پس از یك شور سه ساعته ، قراری در بیش از ۲۰ صفحه به قطع وزیری صادر کرد که صافو ساده تمامی حکم دادگاه نظامی بدوی را تأیید میکرد . در حالیکه روشن بود که اغراز اتهامات عضویت حزب توده و کفر غیرقانونی از مرز و فرار برای حکمت جو (که ضمناً باید گفت از جانب دو محکوم باعدام انکار نشده بود) یعنی اتهاماتیکه میتوانست موجب مجازاتهائی در زمینه محرومیت از آزادی گردد ، دادستانی نه فقط هیچ مدرکی بنفع دعاوی خود در کیفرخواست نیاورده بودبلکه خود پرونده اثبات میکرد که متهمین هیچیك از جرائم ادعائی را مرتکب نشده بودند . تنها «مدرکی» که ارائه شده بود گزارشی بود « بامضاء » دو متهم و چهار نفر ناشناس دیگر که نزد خاوری هنگامیکه میخواست از مرز شوروی بقصد رسانیدن خود بآلمان خاوری بگذرد پیدا کرده بودند .

این گزارش که خطاب بدکتر رادمنش دبیر کل حزب توده که در مهاجرت بسر میبرد تهیه شده بود وضع داخلی ایران را تشریح میکند ، امکانات عمل حزب توده در شرایط کنونی بررسی مینماید و نتیجه میگیرد که امکان عمل علنی و قانونی حزب وجود ندارد و باید دست به عمل خشن زد ، گروههای دهقانی مسلح بوجود آورد والآخر ولی گزارش ، پس از پیشنهاد این نتایج ، اجرای آنرا مو کداً مقید بدو شرط میکند .

در گزارش گفته میشود : «در هرحال اگر رهبری حزب در این باره تصمیم اتخاذ کندوامکانات مالی در اختیارسازمان بگذارد . . . اما واضح است که هنگام دستگیر شدن ، دو متهم نامبرده که نه موافقت حزب و نه وسائل مالی دریافت داشته بودند . هیچ گروه ضربه‌ای سازمان نداده بودند ، هیچ سلاحی فراهم نساخته بودند ، هیچ عملی انجام نداده بودند .

بدیهی است حتی یك نمونه نمیتوان ارائه داد که کسی را بدلیل فرموله کردن نظری که بهیچوجه آنرا نیز بموقع اجرا نگذارده محکوم باعدام کنند . . . بنابر این حکم اعدامیکه علیه این دو متهم صادر گردیده ابداً قابل توجیه نیست » بهمین ترتیب است دومین حکم اعدامی که علیه حکمت جو باتهام اقدام به تضعیف روحیه ارتش صادر کرده‌اند واضح است که حکمت جو، ستوان سابق نیروی هوائی ایران که ۱۵ سال پیش قرار کرده بود از آن زمان بعد هیچ افسر یا سربازی را ملاقات نکرده بود و لذا دعوی کاملا بیجائی است که نتوانسته باشد روحیه ارتش را تضعیف کند . این اتهام دربارهٔ خود عمل فرار هم نمیتوانست وارد باشد . زیرا در سال ۱۹۵۵ غیاباً بهمین گناه بدهسال زندان محکوم گردیده بود . و او نسبت باین حکم پس از دستگیری اعتراض نمود و دادگاه نیز مجازات ویرا از این بابت از ۱۰ سال به ٤ سال تخفیف داد . قابل تصور نیست که بتوان تنها بخاطر اعتراض او، مجازاتش را تشدید کرد و او را برای فرار یکه ۱۱ سال پیش بگناه آن بدهسال زندان محکوم ساختند امروز محکوم باعدام نمایند .

سرانجام آیا میتوان از بزه جاسوسی که دادگاه آنانرا محکوم ساخت سخنی بمیان آورد ؟ بنظر ما در تمام جهان یك حقوقدان وقاضی وجود ندارد که اقدام بدادن گزارش را نه بیك دولت خارجی و حتی نه بیك یگانه بلکه بقطع بیك هم میهن مهاجر خود ، آنهم درباره وضع سیاسی کشور و در چارچوب فعالیت حزبی که نامبرده رهبری آنرا بعهده دارد ، بعنوان اقدام بجاسوسی تلقی کند . یك چنین تلقی از جاسوسی آشکارا فاقد هر گونه محتوی است .»

چند ماه پیش دادگاه نظامی بدوی تهران پس از یك شور کمتر از ۳۰ دقیقه دو نفر کارگر حروف چین چاپخانه ، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده را بترتیب به ٦ و ٥ سال زندان ، باتهام عضویت در حزب توده ایران و چاپ اسناد و اوراق حزبی ، محکوم ساخت . باین متهمین نه در دادگاه بدوی و نه در تجدید نظر اجازه ندادند دفاعیات خود را بخوانند . دادگاه تجدید نظر پس از قطع قرائت دفاعیات حتی لازم‌دانست احکام مجازات دادگاه نظامی بدوی را تشدید کند و متهمان را به ترتیب به ٥ و شش سال زندان مجرد محکوم نماید .

مادهٔ هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام میدارد که هر کس در برابر هر گونه تجاوز به حقوقی که بوسیله قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد حق رجوع مؤثر بمحاکم ملی صالحه دارد . ولی در ایران کنونی حکومت مطلق العنان است و هیچ دادگاهی برای رسیدگی باعمال خلاف قانون حکومت وجود ندارد .

در اوضاع و احوال کنونی خودمدیوان نیز هم جرأت اظهار نظر دربارهٔ انطباق قوانینشان باقانون اساسی و دربارهٔ اعمال مقامات اجرائی ندارد .

پلیس سیاسی (ساواك) دارای اختیار تام است و از نظارت قضائی و حتی اداری بدور است .

در برابر یك چنین وضعی اسفبار قریب ۱۵ هزار نفر ایرانی از هر گرایش سیاسی و هر عقیده مجبور بجلای وطن شده و به کشور های خارجی پناه برده‌اند .

ولی حکومت ایران بیکدر ها و تخیلات خود را بخارج از مرز ها هم گسترش داده است . نه فقط حق باز گشت به کشوررا از پناهندگان سیاسی که برخی از آنها برای وقایعی مربوط به ۲۰ سال پیش مورد تعقیب واقع شده‌اند ، سلب نموده است ، بلکه با امتناع از دادن گذر نامه بآنان و فرزندانشان میخواهدبزور آنهارا از تابعیت ایرانی محروم سازد . اینجاست که به علنی ترین وجهی مادهٔ ۱۱ اعلامیه حقوق بشر اکید مال میشود ، مادهایکه حق هر فرد را بداشتن تابعیت اعلام میداردوتصریح میکند که : «احدی رانتیوان خودسرانه از تابعیت خود . . . محروم کرد .»

این نوع فشار همچنین بر دانشجویان ایرانی که در دانشگاههای مختلف اروپا و امریکاتحصیل میکنندواردمیشود . دانشجویانی که با نظریات سران رژیم کنونی ایران موافقت ندارند و علیه اعمال ضد دموکراتیك حکومت ایران اعتراض میکنند در معرض

«بقیه در صفحه»

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه جلسه کمیسیون...

حزب کمونیست هند ، حزب کمونیست عراق ، حزب توده ایران ، حزب کمونیست اسرائیل ، حزب کمونیست اردن ، حزب کمونیست کانادا ، حزب کمونیست آلمیا ، حزب متحده کارگری لهستان ، حزب کمونیست استو ، حزب کمونیست لبنان ، حزب کمونیست لوکزامبورک ، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ، حزب کمونیست مراکش ، حزب کمونیست مارتینیک ، حزب کمونیست مکزیک ، حزب توده انقلابی مغول ، حزب کمونیست انگلستان ، حزب کمونیست آلمان ، حزب سوسیالیست متحده آلمان ، برلن غربی ، حزب کمونیست ایتالیا ، حزب توده پاناما ، حزب کمونیست پاراگوئه ، حزب کمونیست پرو ، حزب کمونیست پرتقال ، حزب کمونیست پرتوریکو ، حزب کمونیست سالوادور ، حزب کمونیست اسپانیا ، حزب کار سوریس ، حزب کمونیست سوریه ، حزب کمونیست شوروی ، حزب کمونیست سودان ، حزب کمونیست ترکیه ، حزب کمونیست تونس ، حزب کمونیست اورو گوئه ، حزب کمونیست ونزوئلا و یك حزب برادر دیگر که درشرایط مخفی است.

۱۵ حزب برادر دیگر اعلام کرده اند که در کنفرانس بین المللی شرکت خواهند کرد ولی بعلل مختلف نماینده به جلسه کمیسیون تدارك اعزام نداشته اند.

نمایندگان کلیه احزاب برادر در بحث شرکت جستند.

سخنرانان مسائل متعددی درباره مبارزه با امپریالیسم و اتحاد عمل همه احزاب کمونیست و کارگری و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی ایراد کرده و در این زمینه پیشنهادهائی در بارهٔ مسائلی که باید در کنفرانس مطرح گردد ارائه داشتند.

کمیسیون تدارك در بارهٔ تاریخ گشایش کنفرانس بین المللی موافقت نمود و مقرر داشت که کنفرانس مزبور روز ۲۵ نوامبر امسال در مسکو تشکیل شود کمیسیون تدارك مسئله مضمون طرح اسناد و نیز مسئله اسلوب تنظیم آنها و مسائل دیگری مربوط به امر تدارك کنفرانس را نیز مورد بررسی قرار داد.

کمیسیون تدارك گروه کاری بمنظور تهیه اسناد کنفرانس بین المللی تشکیل داد.

هر حزب برادر که مایل باشد میتواند در گروه کار شرکت نماید.

گروه کار نخستین جلسه خود را ۲۸ آوریل تشکیل داد.

کمیسیون تدارك تمام پیشنهادات گروه کار را در جلسه آینده خود که در ماه سپتامبر تشکیل میشود مورد بحث قرار میدهد و کمیسیون تدارك اسناد تهیه شده را به کمیته های مرکزی احزاب کمونیست و کارگری ارسال خواهد داشت.

کمیسیون تدارك از تمام احزاب کمونیست و کارگری که هنوز در تدارك و تهیه کنفرانس بین المللی شرکت نکرده اند دعوت مینماید بفعالیت وی که بسود بسط اتحاد عمل جنبش کمونیستی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی است بپیوندند.

کمیسیون تدارك از احزابی که نمیتوانند نمایندهٔ خود را برای شرکت درامور تدارکاتی اعزام دارند تقاضا دارد اسناد و پیشنهاد های مکتبی خود را در باره مسائل مربوط به دستور کنفرانس بین المللی برای ما ارسال دارند کارهای کمیسیون تدارك در مطبعی بردارنامه جریان یافت. تبادل نظر آزاد وجه مشخص این جلسات بود و این خود حاکی از آنست که احزاب کمونیست و کارگری صاحب نظر با بمنظور همکاری بین المللی درمبارزه برای هدفهای مشترکشان تشدید میکنند.

دنباله از صفحه ۴

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران...

انواع تدابیر پلیس برای مرعوب ساختن آنها قرار میگیرند.

ضبط گذرنامه ها ، عدم تمدید روادید ها ، و اجبار بی در بی آنها به شمات ساواك از اقدامات پلیس رایج نسبت به آنهاست.

ما نخواسته ایم دربارهٔ تجاوزات جاری در کشور خود به اصل اساسی حاکمیت خلق و بیان آزاد ارادهٔ وی بوسیله انتخابات عمومی آزاد و ادواری که در بند سوم از ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده سخن بتفصیل گوئیم.

در واقع نیز در کشوریکه آزادیهای اساسی بیان و عقیده و اجتماع تا جائی لکد مال شده که فقط بخاطر داشتن عقاید سیاسی و یا اجتماعی تا همسگون با زمامداران سر افراد به باد میرود و یا آنها را مادام العمر و یا سالیان دراز از آزادی محروم میسازند ، سخن در باره انتخابات آزاد و دمو کراتیك زائد بنظر میرسد.

آقای رئیس ـ آقایان نمایندگان

با این مقدمه که به نظر شما رساندیم ما خواسته ایم راه یاکاری سران کشور خود را بشما نشان دهیم و در برابر افکار عمومی جهان این سالوسی را فاش سازیم که آنان ازیکسو خود را طرفدار سینه چاك اجرای تام و تمام اصول مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر بمقیاس جهانی میدانند و از سوی دیگر در درون کشور ابتدائی ترین حقوق انسانی مردم را با کستاخی پامال مینمایند.

ضمناً بگوئیم که ما نسبت باقدامات یك کنفرانس شما میتواند بدنبال این افتا کریها انجام دهد ، دل خوش نداشته ایم و در این باره برای خود پنداری نساخته ایم ، زیرا تمام شکایاتیکه تا کنون به کمیسیون حقوق بشر سازمان متحد ارسال داشته ایم بلاجواب مانده است . معذالك باز میخواهیم امیدوار باشیم این نامه بتواند کنفرانس بین المللی حقوق بشر را برانگیزد تا برای تحقق واقعی اصول اساسی اعلامیه حقوق بشر و بویژه برای دفاع از این اصول در برابر اعمال ضد بشری حکومتهای مستبد ، نظیر حکومت موجود در کشور ما تدابیر مؤثری اتخاذ نماید.

فقط در این جهت است که ما برای شما موفقیت کامل در کارتان آرزومندیم.

دنباله از صفحه ۱

بمناسبت صدوپنجاهمین زادروز مارکس

بود ، بزرگترین دانشمند عصر ما ست و بر اساس همین فضیلت خود ، بر اساس عالم واقعی بودن ، توانست بیشکام تاریخ معاصر شود. آموزش مارکس امروز بزرگترین و مهمترین محرك روحی و سیاسی جنبش مترقی جهانی است.»

در اطراف گزارش اساسی رفیق اولبریشت بحث انجام گرفت . از طرف هیئت نمایندگی ما رفیق طبری در نخستین روز اجلاسیهٔ علمی در بحث شرکت جست ودربارهٔ آن بخشی از آموزش مارکس که با تاریخ تکامل اجتماعات شرق باستان و از آنجمله با برخی مسائل مشخص تاریخ ایران ارتباط دارد سخن گفت . وی گفت که بررسی دقیق ارثیه مارکس و استخراج آن احکام کلیدی و راهنما که وی درمورد تشریح مسائل تاریخ جامعهٔ باستانی شرق و از آنجمله ایران گفته است یك وظیفه مهم مارکسیستهای ایران است . ناطق دربارهٔ آشنائی مردم ایران با نام مارکس و آثار اوسخن گفت و از ترجمه شدن بکرشته آثار مارکس طی پنجاه سال اخیر (از مانیفست گرفته تا سرمایه) اطلاعاتی داد . وی در پایان سخن خود امراز شادمانی کرد که صد و پنجاهمین زاد روز مارکس در میهن واقعی او آلمان دمکراتیك در جائی که اندیشهٔوی پیروز شده استبرگزار میشود و اظهارامیدوار کرد که آینده شاهد پیروزی نهائی این اندیشه نه تنها در سراسر آلمان بلکه در سراسر جهان خواهد بود.

روزشنبه دربنای زیبای ، شورای دولت از طرف رفیق اولبریشت شامی باافتخارهیئت های نمایندگی خارجی داده شد . در آنجا رفیق اولبریشت ضمن یك سخنرانی ارتجالی و بسیار جالب مسائل مهمی را دربارهٔ کیفیت ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دمکراتیك آلمان بیان کشید و خصلت دمکراتیك علمی این کار را با بیان نمونه های جالبی تشریح کرد.

مجموعهٔ سخنرانی های هیئت نمایندگی خارجی و سخنرانی اصلی رفیق اولبریشت به البته پنجگانه آلمانی ، روسی ، فرانسه انگلیسی ، عربی بزودی بچاپ خواهد رسید.

صابر محمدزاده تبعید شد

« صابر محمد زاده ، کارگر چاپخانهٔ حزب توده ایران ، که سال گذشته باتفاق همرزم خود « آصف رزم دیده » دستگیر و مدت ۸ ماه بلاتکلیف زندانی بودند اخیراً بعلت دفاع مادی و شجاعانه خود در دادگاه نظامی ، به ترتیب به ۷ و ۵ سال زندان محکوم شدند . طبق خبری که اخیراً بدست ما رسیده رفیق صابرمحمد زاده که متن دفاع دلیرانه اورا خوشبوی گذشته ماه نامه مردم منتشر کردیم به زندان مشایه تبعید شده است . این عکس العمل خشن رژیم نسبت به کارگر مبارزی است که علیرغم شکنجه ، به آرمانهای حزب خود وفادار مانده است.»

انقلاب اکتبر و ایران

مجموعه سخنرانیهای سه سمینار علمی حزب توده ایران بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر منتشر شد . بها ۴۰ ریال

دنباله از صفحه ۱

در کنگره هفتم فدراسیون اتحادیه های آزاد آلمان

و فرهنگی کامیابیهای بزرگی بدست آورده اند . با تصویب قانون اساسی جدید مردم بر له صلح و دوستی بین خلقها علیه میلیتاریسم و تلاقی جوئی بر له عدالت اجتماعی و دموکراسی علیه هر گونه تبعیض و ستم بر له سوسیالیسم و علیه بهره کشی فرد از فرد رای دادند.

رفیق جودت نمایندگی از طرف شورای متحده مرکزی در کنگره شرکت داشت بنام زحمتکشان ایران بکنگره تهنیت گفت سپس به تشریح وضع ایران پرداخته به نفوذ امپریالیست ها ، استثمار شدید زحمتکشان دست انحصار های نفتی ، وجود عده کثیر بیکاران و عدم آزادیهای دموکراتیك اشاره کرده گفت . دولت ایران نه تنها احزاب ملی و مترقی را غیر قانونی اعلام کرده است بلکه فعالیت اتحادیه های واقعی کارگران و سایر سازمانهای دموکراتیك را ممنوع ساخته است . دولت ایران بمنظور عوام فریبی و برای آنکه خود را طرفدار دموکراسی وانمود کند تحت کنترل مطلق پلیس سازمانهائی بنام سندیکا بوجود میآورد.

حتی سندیکاهائی که باین ترتیب تشکیل مییابند مجاز نیستند بمقیاس کارخانه متشکل و یا بتشکیل اتحادیه های صنعتی و کنفدراسیون تمام اتحادیه ها بمقیاس کشور اقدام کنند»

نماینده ایران توضیح داد که رژیم ترور نتوانسته است توده های زحمتکش را از مبارزه برای حقوق حیاتی خود و از پیکار برای دموکراسی و استقلال ملی باز دارد.

نماینده ایران بنام زحمتکشان ایران به خلق قهرمان ویتنام که علیه امپریالیسم تجاوز کار امریکا پیکار میکند درود فرستاد.

کنگره در روز دهم ماه مه پس از تصویب قطعنامه ها و انتخاب از گانهای رهبری در محیطی سرشار از روح ترقیخواهی ، صلح دوستی و انترناسیونالیسم پرولتری خاتمه یافت.

دنباله از صفحه ۲

سازمان دانشجویان...

باید بتواند با حفظ ماهیت مترقی خود آن چنان سیاست و روشی را در پیش گیرد که بتواند از امکانات فعالیت علنی حتی اکثر استفاده را بنماید ، با توجه باینکه خود این مبارزه پروسه‌ای است که بتدریج تکامل می‌یابد و قدم بقدم رژیم ارتجاعی مفروض را بعقب نشینی وامیدارد.

مبارزه سازمان های توده‌ای در این زمینه نه فقط کمك بزرگی به تحقق هدفهای خود این سازمانهاست ، بلکه کمك مؤثری به سازمانها و احزاب سیاسی است که بطور کلی تحت فشار شدید تری هستند و درورژیم های ارتجاعی غالباً درحالت مخفی و نیمه مخفی مبارزه میکنند ، زیرا فراموش نباید کرد که سازمانهای توده‌ای حلقات اصلی پیوند سازمان های سیاسی مترقی باتوده ها هستند.

م . اتوش

از سخنان روزبه

وقتی عقیده بر پایه شرافت و وجدان و میهن پرستی استوار شده باشد چیزی نیست که بسادگی دستخوش حوادث و مرعوب تضییقات مجدد گردد. من بعقاید خود احترام میگذارم و از آنها شجاعانه دفاع میکنم.

«روزبه در دادگاه نظامی سال ۱۳۲۷»

* * *

ارتش ملی باید بخاطر حفظ حدود و ثغور کشور و تامین سعادت و آسایش و آزادی و مساوات و ناموس و عرض و شرف و حیثیت ملی و شخصی افراد مملکت شمشیر در دست و تفنگ بر دوش گیرد.

«روزبه در دادگاه نظامی سال ۱۳۲۷»

* * *

«ما جیره خوار ملایم در حالیکه یاسر نیزه خود تجاوزات منتی دزد و خائنین را نسبت بحقوق و حیات ملت پشتیبانی میکنیم.

* * *

ما صاحبنظر بفرمان احساسات بحکم غیرت و مردانگی در مورد دستورات و نقاط‌های خلاف شرافت فرمول اطاعت کور کورانه را زیر پا میگذاریم بیاید به امر وجدان از دستورات واوامری که بضرر اکثریت تمام زده این مملکت و نفع هیئت‌ها که است سرپیچی نمود.

«اطاعت کور کورانه - خسرو روزبه»

* * *

ما که امروز در نهایت سختی زندگی میکنیم، چرا بخاطر یك مشت مظلوم و برای نجات یك اکثریت بزرگ جان خود را فدا نکنیم و لااقل سلهای آینده را از نعمت آزادی برخوردار نسازیم.

«اطاعت کور کورانه - خسرو روزبه»

* * *

هر وقت با فساد و اجحاف مبتلم ارادمام برای مبارزه با آن مصمم میشد.

«روزبه در دادگاه نظامی سال ۱۳۲۷»

* * *

اگر زنده ماندن مشروط به ننگ حیثیت، تن دادن به پستی، گذشتن از آبرو، پا نهادن بسر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی باشد مرگ صد بار بر آن شرف دارد.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدید نظر نظامی»

* * *

من باقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینه‌ام شعله میکشد راه حزب توده ایران را برگزیده‌ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم بوستم رهبه تار و پود وجودم توده‌ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدید نظر نظامی»

* * *

حزب توده ایران به تصدیق دوست و دشمن بزرگترین، اصولی‌ترین و متشکل‌ترین حزب دوران ۵۰ ساله مشروطیت ایران است. بزرگترین منت هیزه این حزب جنبه انقلابی آنست، حزبی است که بر سر حسب ضرورت تاریخی بوجود آمده، بر مبنای اصول علمی تشکیل شده و دارای تئوری و جهان بینی علمی است.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدید نظر نظامی»

* * *

اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آنرا بر سایر رژیمها احساس کرده‌ام...

«روزبه در دادگاه تجدید نظر نظامی»

* * *

من بعقایدم پایبندم. نظریات سیاسی‌ام را مقدس میشمارم بعهد و سوگند خود وفادارم و به اعتقادی که در زیر آنکت حزب توده برتری کرده‌ام احترام میگذارم و هر گز بخاطر جلب منفعت یا دفع خطر پیمان خود را نمی شکنم.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدید نظر نظامی»

سرود چهارم حزبی

معنی است سرود یکه متن آن قبلا چاپ میشود در رادیوی پیات ایران بعنوان سرود چهارم حزبی پخش میگردد. ما متن این سرود را بمناسبت دهمین سال شهادت روزبه و یاران تجلیل که ۱۱ دی در سرود حزبی بعمل آمده است چاپ میکنیم.

«مقاطعه مردم»

— ۱ —

بر شکن بر سد اگر خواهی آزادی
بر فکن از پی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر باید داد
کشور ایران رهد از بیداد

حزب ما توده را سازد پیروز
میرسد فرداتی از پی امروز
از رزم است گر خالی شد بسته و بند
از رزم است هر خالی قدرتمند

— ۲ —

اختر رزم ایرانی تا تابنده است
شیوهٔ روزبه سزای هر رزمنده است
مهر آزادی راه و رسم ماست
یاری مردم جان پناه ماست

حزب ما توده را سازد پیروز
میرسد فرداتی از پی امروز
از رزم است گر خالی شد بسته و بند
از رزم است هر خالی قدرتمند

— ۳ —

کار و دانش را بتفت زر بنشانیم
دیو استبداد از خانه بیرون رانیم
توده زحمت بهره ور انکوست
صاحب اصلی خاك میهن اوست

حزب ما توده را سازد پیروز
میرسد فرداتی از پی امروز
از رزم است گر خالی شد بسته و بند
از رزم است هر خالی قدرتمند

(انتخاب از احسان طبری)

دو شهید دیگر

در روز های اردیبهشت ۱۳۳۷ دو تن از اعضاء حزب ما و از یاران رفیق شهید خسرو روزبه نیز قربانیان شدند. این دو تن عبارتند از آرسن اوانسیان و هوشنگ پور رضوانی.

آرسن اوانسیان هنگامیکه آماج رگبار سرب گماشتگان قرار گرفت کارگری بود چهل و دو ساله. وی یك زندگی پر از رنج و تلاش و فداکاری را در پشت سر داشت. از زمان کودکی که در دامان خاندان دهقان فقیری پرورده میشد تا آنزمان که سیزده دم اردیبهشت را بدرود میگفت آرسن بتمام معنای الفه شرنگ تلخ رنجهای زندگی را چشیده بود. از سال ۱۳۲۲ که وارد صفوف حزب توده ایران شد از هیچ فداکاری از قبول هیچ ماموریت خطرناك سر باز نزد. وی با روحی ساده کودکانه، پر از مهر و آشتی در نبرد بخرنج زندگی سیاسی شرکت میکرد. تبسم و مزاح او را حتی در آستانه مرگ ترك نگفت. صبح روزی که باید اعدام شود گروهبانی او را با ناراحتی بدار کرد. آرسن با همان خونسردی و لهجه خودمانی و ریشخند آمیز گفت: «و گیل باشی! چرا دلغوری؟ مردن که اشکالی نداره، برو نون و چائی مرا بیار!» و هنگامیکه میمرد این جملات سرشار از روح و ایمان بر لبان او گذشت: «من کارگری هستم که جز دو بازوی خود سرمایه ای نداشتم و اکنون سعادتمندم که در راه مردم با همین سرمایه شرافتمندانه بگور میروم.»

هوشنگ پور رضوانی هنگامیکه در کنار دوست کارگرش آرسن اوانسیان شهید میشد در بهار جوانی بود. با چهره‌ای مبتسم، قامت موزون و حرکات آرام، با گفت و شنوار سورمه ای و پیراهن سفید در کنار چوبهٔ اعدام ایستاد. دوست با همان زیبائی و سادگی و آرامش که در مبتکها و نمایشها در صفوف نخستین می ایستاد، وقتی به افق شیری رنگ مینگریست گوئی تمام زندگی جوان و پرشورش را که مانند گل زنبق سفید پاك و درخشان بود در آن میدید، یك زندگی کوتاه ولی خالی از ترس، سرشار از تهور، سرشار از مبارزه بخاطر حزب، طبقه کارگر، مردم. وی در آخرین لحظه فریاد زد: «زنده باد حزب توده...» یکی از گلوله ها قبش را از طپش انداخت و گلبه «ایران» را روی لبش منجمد کرد. اودیگر افق را ندید ولی در آخرین لحظه هستی و شعور اطمینان داشت که از همین افق خورشید درخشانی برای مردم ستمدیده ایران سرانجام طلوع خواهد کرد.

آرسن اوانسیان از صفوف کارگران ایران و هوشنگ پور رضوانی از صفوف روشنفکران جوان، در راه آرمان خلق برای همیشه از میان ما رفتند ولی خاطرهٔ قهرمان پرور آنها امروز، فردا و تا دیرگاه باقی و پایدار خواهد بود.

اعلامیه انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات

در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۶۸ انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات در مورد تشکیل کنفرانس حقوق بشر در تهران اعلامیه‌ای داده است که در آن از جمله چنین میخوانیم:

«انجمن ما که در موارد متعددی ناظران قضائی خود را برای شرکت در دادرسیهای سیاسی به ایران فرستاده بر آنست که آزادیهای اساسی هنوز در این کشور مورد تجاوزات گوناگون قرار میگیرد، زندانهای سیاسی در مناطق بد آب و هوا محبوسند، آزادی عقیده و بیان مورد احترام نیست و اشخاص فراوانی بعلل معتقدات خود تحت تعقیب و فشار قرار دارند. انجمن اظهار امید می کند که در این موقع تاریخی تشکیل جلسه در تهران زندانیان سیاسی آزاد گردند و حقوق بشری مصرحه در اعلامیه تضمین گردد. انجمن در همین زمینه به مقامات ایرانی مراجعه کرده است.»

نامه زندانیان سیاسی بدبیر کنسل سازمان ملل متحد

بمناسبت تشکیل کنفرانس حقوق بشر در تهران زندانیان سیاسی قصر، از توقف خود و بیتابیهای کنفرانس جلسه زندانهای سیاسی ایران نامه ای به «کوفی انان» دبیر کل سازمان ملل متحد و نمایندگان کنفرانس حقوق بشر ارسال داشتند. در این نامه پیوارد نقض اعلامیه حقوق بشر در ایران، فشارهای آزادی بیان، آزادی تالم و اجتماعات، آزادی عقیده، فشارهای سازمانهای هنری و کارگران و ملی، وجود شکنجه، محاکمات نظامی و اعدامهای زندانیان سیاسی اشاره نموده و از دبیر کل سازمان خواستار شده اند برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره هنگام توقف دبیر در تهران با زندانیان سیاسی تماس گیرد. بقیه تراکم مطلب متن کامل این نامه را در شماره آینده مقاطعه منتشر خواهیم کرد.